ادب فارسی، دورهٔ جدید ۱، شمارهٔ ۵-۳

تاملی در تناسب موسیقی و مضمون در شعر معاصر

دکتر محمود فضیلت
دانشیار دانشگاه تهران
یعقوب نوروزی
دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

(ص ۲۹۴ - ۲۷۷)
تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۰۹/۳۰
تاریخ پذیرش قطعی: ۸۹/۱۲/۲۷

چکیده:

در این مقاله به بررسی هماهنگی موسیقی و محتوا در شعر شاعران معاصر خواهیم پرداخت و شعر آنان را از این دیدگاه، مورد بررسی قرار خواهیم داد. در آغاز درباره اهمیت، هماهنگی و تناسب اجزای شعر و زیبایی که از این طریق، ایجاد می‌شود، مباحثی را بیان خواهیم کرد و سپس به اهمیتی که شاعران معاصر به مولفه هماهنگی موسیقی و محتوا، در شعر خود می‌دادند و اعتقادی که به این هماهنگی داشتند و در سخنانشان نیز این اعتقاد نمود دارد، خواهیم پرداخت. سخنانی را که هر یک از شاعران معاصر از جمله؛ نیما، شاملو، اخوان و شفیعی کدکنی درباره این هماهنگی داشته‌اند، می‌آوریم و نمونه‌های زیبایی از این هماهنگی و توجه به این انطباق را که در شعر آنان دیده می‌شود خواهیم آورد و نشان خواهیم داد که این هماهنگی در شعر آنان، چه نقشی در زیبایی و تاثیرگذاری شعرشان داشته است. این شاعران از انواع موسیقی؛ وزن عروضی (موسیقی بیرونی)، موسیقی درونی، موسیقی کناری (قافیه) در جهت القاء معانی و مفاهیم مورد نظر خود، به بهترین نحوی استفاده کرده‌اند و بدین صورت زیبایی آفریده‌اند.

واژه‌های کلیدی: موسیقی، محتوی، هماهنگی، شعر معاصر، القاء مفاهیم.

نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: noruziyagub@yahoo.com

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه:

ادبیات کوششی است در جهت خلق زیبایی و «زیبائی عبارت است از تناسب و هماهنگی» (فیلیس شیله: ۳۵۷، ص ۱۶۲). پس اثر ادبی باید بیشترین بهره را از تناسب و هماهنگی داشته باشد. زیبایی حاصل تناسب و هماهنگی کل اجزا با هم است. در اثر ادبی«نه محتوی و نه موضوع و نه شکل و قالب، هیچکدام به تنهایی نمی‌تواند به صفت استتیک موصوف باشد زیرا زیبائی و استتیک فقط در هماهنگی و وحدت آن دوست» (همان، ص۶۱). زیبایی اثر ادبی نه به خاطر محتوای خاص آن و نه به خاطر شکل و فرم آن است بلکه: «به سبب محتوائی است که به شکل مبدل شده است» (مارکوزه، ص ۱۲۱). اثر ادبی که در پی خلق زیبایی و تاثیر در مخاطب و لذت بخشی است، بدون هماهنگی-های لازم عناصر روساختی و ژرف ساختی نمی‌تواند به این هدف خود دست یابد و از مقصود خود باز می‌ماند. از مهمترین عناصر روساختی شعر، موسیقی و آهنگ کلام است و اساسی ترین عنصری که ژرف ساخت شعر را می‌سازد، همانا محتوا و درونمایه اثر است. پس تناسب و هماهنگی این دو رکن در شعر اساسی ترین و ضروری ترین عامل در تاثیر، لذت بخشی و خلق زیبایی است و هماهنگی حاصل از این دو از اساسی ترین مولفه های زیباشناختی در شعر است که ادبا و منتقدان ادبیات در هر دوره‌ای به آن توجه و عنایت داشته اند. بحث هماهنگی وزن و محتوا در شعر به یونان باستان و نظریه پرداز و فیلسوف بزرگ، ارسطو میرسد. وی معتقد بود که انواع ادبی تراژدی و کمدی برای القاء حس خاصی که در آنهاست، اوزان خاصی را می‌طلبند و چون موضوع و محتوای آنها متفاوت است وزن نیز در آنها متفاوت خواهد بود و بر این بود که: «در واقع همان طبیعت موضوع است که ما را به انتخاب وزنی مناسب هدایت می‌کند» (زرین کوب :۱۳۵۳، ص ۱۰۴).

خواجه نصیر طوسی در کتاب خود به این نظر ارسطو اشاره کرده و بحث هماهنگی وزن و محتوا را در شعر فارسی مطرح کرده است: «یونانیان را اغراض محدود بوده است در شعر و هر یکی را وزنی خاص مناسب. مثلا نوعی بوده است مشتمل بر ذکر خیر و اخیار و تخلص به مدح، یکی از آن طایفه که آن را طرافودیا (تراژدی) خوانده اند و آن بهترین نوع بوده است و آنرا وزنی به غایت لذیذ بوده و نوعی دیگر مشتمل بر ذکر شرور و رذایل و هجو کسی و نوعی مشتمل بر امور حرب و جدال و تهییج و غضب و ضجرت و نوعی دیگر مشتمل بر امور معاد و تهویل نفوس شریره و نوعی دیگر مقتضی طرب و فرح و

Archive of SID

www.SID.ir

نوعی دیگر مشتمل بر سیاسات و نوامیس و اخبار ملوک و همچنین انواع دیگر و هر نوعی را اجزایی خاص مرتب مودی به مقصود و چون اوزان و تخیلات مناسب هر نوعی مقارن آن استعمال می‌کرده اند آن را تاثیر بیشتر بوده است» (طوسی :۱۳۲۶،۵۹۱-۵۹۰). دیگر ادبا و منتقدان ادبیات فارسی نیز بحث هماهنگی وزن و محتوی را مطرح کرده‌اند و در کتابهایی که در مورد شعر و هنر شاعری نگاشته شده است به وضوح می‌توان دیدگاه‌های آنان را دید. ابن سینا از فیلسوفان بزرگ جهان اسلام در بخشی از کتاب شفا، بحثی در مورد تفاوت اوزان با هم و تناسب هر کدام با حالتی خاص، آورده است و بر این است که «وزنهایی هستند سبک و وزنهایی سنگین و باوقار» (نقل از شفیعی کدکنی، ۴۸). بنابراین می‌بینیم که مبحث تناسب و هماهنگی وزن و محتوا سابقه‌ای دیرینه دارد و از گذشته‌های دور مطرح بوده است و شاعران به رعایت این تناسب و هماهنگی در شعر پایبند بودند و نمونه‌های زیبایی از این هماهنگی‌ها در شعر فارسی دیده می‌شود. شاعران نیمایی نیز به رعایت این هماهنگی پایبند بودند و در جهت خلق زیبایی و تاثیر بر مخاطب این هماهنگی را به کار گرفته‌اند و مباحثی را نیز در این مورد مطرح کرده-اند. نیما که بنیان‌گذار شعر نو فارسی است به هماهنگی وزن و محتوا توجه داشته و حتی پا را فراتر گذاشته و برای خلق اثری زیبا، هماهنگی همه اجزاء و عناصر شعر را متذکر شده است و شعر را پیکره‌ای واحد دانسته که با نارسایی یکی از اجزاء، از تاثیر و القاء باز می‌ماند. او «همه عناصر و اجزای شعر را وسایلی برای خدمت به معنا و بهتر رساندن مفهوم و هر چه تمامتر القا کردن حسیات خود می‌دانست و از این رو وقتی که تعهد ابلاغ معنا و القای حس و عاطفه‌ای می‌کرد به تناسب و هماهنگی همه عناصر توجه کامل داشت، بی قید و بند نبود و از سر هیچ یک سرسری نمی‌گذشت. این است که دقت و تاکید او در خصوص شکل و فرم دقتی کاملا منطقی و لازم است» (اخوان: ۱۳۷۶، ۲۰۲). به باور او «شعر هنر است و بنابراین تمام اجزاء هنر باید متناسب باشد. معنی و شکل نمی‌توانند از هم جدا شوند، هنر آنجا جلوه می‌کند که شکل حقیقی خود را داشته باشد و هر جزء هماهنگ با دیگر اجزاء باشد. شکل و ظاهر زیبایی که معنی مقبولی نداشته باشد مانند انسان خوش لباسی است که از انسانیت نشانی نداشته باشد» (نیما، شعر و شاعری، ۱۶۶). با مطرح شدن این بحث توسط نیما آشکار می‌گردد که وی شعر را ساختار و پیکره‌ای منسجم می‌دانست که اگر هر جزء آن که وزن و موسیقی نیز بخشی از آن است، نتواند در مسیری مشخص و واحد سیر کند، شعر آن زیبایی و لذت

Archive of SID

www.SID.ir

بخشی را نخواهد داشت و از هم گسیخته خواهد بود. شاعران دیگر از جمله اخوان و شاملو و دیگران نیز در این زمینه مباحثی را مطرح کرده‌اند. اصل هماهنگی موسیقی و محتوا در شعر معاصر نمونه‌های زیبایی دارد و یکی از عوامل ماندگاری شعر و به قول دکتر شفیعی«رسوب در ذهن مخاطب» (موسیقی شعر) همین هماهنگی می‌تواند باشد و شاعران بزرگ معاصر این تناسب و هماهنگی را رعایت کرده‌اند. البته باید متذکر شد که این امر (رعایت تناسب بین موسیقی و محتوی) امری آگاهانه نیست و حاصل ذوق سلیم و طبع شعری هر شاعری است و به قول گوته که گفته بود: «وزن همانطور که هست بطور ناخودآگاه از حالت شاعر مایه می‌گیرد اگر شاعر در حالت سرودن شعر درباره وزن بیندیشد دیوانگی است و هیچ اثر ارجمندی خلق نخواهد کرد» (نقل از شفیعی کدکنی، ص ۵۰)، اگر انتخاب وزن را امری آگاهانه بدانیم به بیراهه رفته‌ایم. انتخاب وزن برانگیخته از روح شاعر و روحیات خاص اوست. اگر وزن با محتوا متناسب نباشد به این معنی است که زاده عواطف شاعر نیست و حالت فرمایشی داشته است. دراشعار نیمایی شاعران معاصر، نمونه‌های زیبایی از این نوع هماهنگی وجود دارد و با بررسی آنها متوجه می‌شویم که شاعران معاصر به هماهنگی ارگانیک اجزای شعر و ارتباط اجزاء با هم و ساختار نظام‌مند آن بیش از گذشتگان معتقد بوده‌اند.

هماهنگی در شعر معاصر :

پیش از بررسی هماهنگی‌ها در شعر معاصر باید به این نکته بپردازیم که منظور از موسیقی شعر صرفا وزن عروضی نیست، بلکه دامنه وسیع‌تری را در بر می‌گیرد و «هر تناسب و آهنگی را که ناشی از شیوه ترکیب کلمات، انتخاب قافیه‌ها و ردیف‌ها، هماهنگی و همسانی صامت‌ها و مصوت‌ها و جز آن باشد نیز دربر می‌گیرد» (دستغیب :۱۳۴۸، ص ۳۴). که در این مقاله بیشتر به موسیقی بیرونی، کناری و درونی خواهیم پرداخت.

شاعران معاصر در هماهنگی بین موسیقی و محتوا و انتقال مفاهیم از راه وزن و موسیقی نهایت دقت را داشته اند. نیما، در ایجاد تناسب و ارتباط بین موسیقی و محتوا موفق عمل کرده است و در اشعار وی هماهنگی‌های زیبایی در این زمینه به چشم می-خورد. او بر این بود که وزن باید پوششی مناسب برای مفهومات و احساسات باشد و به این اصل هم در شعرش عمل کرده است. وی برای مفاهیمی غم انگیز، اوزانی سنگین به

Archive of SID

www.SID.ir

کار گرفته است. عدم تساوی ارکان عروضی در شعر وی نیز در القاء معانی موثر بوده و نقش ایفاء کرده اند. در شعر زیر شاعر یاس و نا امیدی خود را با وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» که از دیدگاه عروض دانان (وحیدیان کامیار:۷۳) (شمیسا، ۱۳۶۹: ۲۳۴) وزنی سنگین هست و مناسب معانی هجران، درد و حسرت، بیان کرده است.

کشتگاهم خشک ماند و یکسره تدبیرها
گشت بی سود و ثمر
تنگنای خانه ام را یافت دشمن با نگاه حیله اندوزش
وای بر من می‌کند آماده بهر سینه ی من تیرهایی
که به زهر کینه آلودست
پس به جاده های خونین کله های مردگان را
به غبار قبرهای کهنه اندوده
از پس دیوار من بر خاک می‌چیند
وز پی آزار دل آزردگان
در میان کله‌های چیده بنشیند
سرگذشت زجر را خواند
وای بر من
در شبی تاریک از اینسان
بر سر این کله ها جنبان
چه کسی آیا ندانسته گذارد پا؟» (مجموعه کامل اشعار نیما، ۲۳۴).

در این شعر «حالت افتان» و کوتاهی رکن عروضی که در «گشت بی سود و ثمر» هست، خود القاگر مفهوم خستگی و یاس است. افزونی هجاهای بلند و کشیده که در این شعر دیده می‌شود، در سنگینی وزن تاثیر داشته اند و کمیت هجاهای بلند همانطور که اشاره کرده‌اند سبب سنگینی وزن می‌شود (فضیلت:۱۳۷۸، ۵).در این شعر تکرار مصوت«آ» و به همراه آن«ی» نیز در بیان عجز و درماندگی بی‌تاثیر نبوده است. همچنین محتوا و حالت خاص شاعر اقتضا کرده که شاعر ارکان عروضی را کم و زیاد کند که در القاء مفهوم بی‌تاثیر نبوده است، خود شاعر نیز چنین اعتقادی داشته: «در واقع این حالت یا کلام است که وزن را خاصه کوتاهی و بلندی مصراع ها را البته می‌باید

Archive of SID

www.SID.ir

در یک بحر خاص باشد به وجود می‌آورد و شرطش آن است که همه آنها یکپارچگی و وحدت را در تمام شعر نشان دهد» (زرین کوب: ۱۳۵۸، ص ۷۳).

در توصیف شب، وزن سنگین «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» را بکار می‌گیرد. موسیقی کناری، قافیه نیز در تداعی معانی و القاء مفهوم موثر بوده، همانطور که محققین چنین وظیفه‌ای را برای قافیه برشمرده‌اند (شفیعی :۱۳۶۸، ص۶۲) در این شعر قافیه «روست و فروست» و آهنگ افتانی که در قافیه شعر است به زیبایی متناسب با محتوا است و فضایی غم انگیز را خلق کرده است.

هنگام شب که سایه هر چیز زیرو روست
دریای منقلب
در موج خود فروست
هر سایه ای رمیده به کنجی خزیده است. (مجموعه کامل اشعار نیما، ۲۸۰)

کشیدگی هجاها در عبارات زیر، دل دردمند شاعر و حزن او را به خوبی نشان می-دهد علاوه بر آن حرف «ه» که در آخر قافیه های «کشیده، داده و دویده» آمده است، حسرت و آه و افسوس وی را می‌رساند و کشیدگی هجاهای پایانی «روزانش، زمستانی و زندگانی»، صدای آه و ناله شاعر را در فضای شعر طنین انداز کرده است.

سر شکسته وار در بالش کشیده
نه هوایی یاریش داده
آفتابی نه دمی با بوسه ی گرمش به سوی او دویده
تیر پروازی به سنگین خواب روزانش زمستانی
خواب می‌بیند جهان زندگانی را
در جهانی بین مرگ و زندگانی» (مجموعه کامل اشعار نیما، ص ۲۹۵-۲۹۶).

در شعر زیر، شاعر وزن تند و ضربی «فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن» را برگزیده است و این وزن با محتوای کلام که عصیان شاعر بر ضد جهل و غفلت مردم و دعوت آنان به بیداری است بسیار مناسب است. تکرار صامت انفجاری «ب» در قافیه «شبتاب و مهتاب»، و افزونی صامتها بر مصوتها که عامل تندی و ضربی بودن وزن است، این تندی و تحرک وزن را تقویت می‌کند و شاعر با حالتی حماسی و شاد و امیدوارانه در صدد بیدار کردن این قوم به خواب رفته است و نوید پیروزی را در آینده می‌دهد. در اوزانی که تعداد هجاهای کوتاه آنان بیشتر است، شور و جنبش بیشتری هست و هر چقدر

Archive of SID

www.SID.ir

تعداد هجاهای کوتاه کم باشد شعر به همان اندازه سنگین است و غم و اندوه و دلمردگی را القاء می‌کند.

می‌تراود مهتاب
می‌درخشد شبتاب
نیست یکدم شکند خواب به چشم کس و لیک
غم این خفته چند
خواب در چشم ترم می‌شکند
نگران با من استاده سحر
صبح می‌خواهد از من
کز مبارک دم او آورم این قوم به جان باخته را بلکه خبر
در جگر لیکن خاری
از ره این سفرم می‌شکند» (مجموعه کامل اشعار نیما، ۴۴۴).

در شعر زیر کشیدگی هجاها، فضایی غم آور را بر شعر حاکم کرده است و سبب سنگینی وزن شده است. قافیه های«سردی، دردی» و تکرار «گردیده» نیز در القاء این حس بی‌تاثیر نیست.

مانده از شبهای دورا دور
بر مسیر خامش جنگل
سنگچینی از اجاقی خرد
اندرو خاکستر سردی
همچنان کاندر غبار اندوده‌ی اندیشه های من ملال انگیز
طرح تصویری در آن هر چیز
داستانی حاصلش دردی
روز شیرینم که با من آتشی داشت
نقش ناهمرنگ گردیده
سرد گشته سنگ گردیده
با دم پاییز عمر من کنایت از بهار روی زردی
همچنانکه مانده از شبهای دورا دور
بر مسیر خامش جنگل

Archive of SID

www.SID.ir

سنگچینی از اجاقی خرد
اندرو خاکستر سردی (مجموعه کامل اشعار نیما، ۴۵۳-۴۵۴)

شاعر با لحنی حماسی می‌خواهد مردم را به بیداری فرا خواند و به همین سبب وزنی تند و ضربی را برای القاء این حس برگزیده است. و چون وزنی برگزیده که هجاهای کوتاه آن بیشتر است حالت عاطفی شدیدتر و مهیج تری را القاء می‌کند. در حالی که «برای حالتهای ملایمتر با تانی و آرامش از وزنهایی استفاده می‌شود که هجاهای بلند در آنها فزونی دارد» (نظریه های نقد ادبی معاصر، ص ۱۱۶)

تا صبحدمان در این شب گرم
افروخته ام چراغ زیراک
می‌خواهم برکشم بجاتر
دیواری در سرای کوران
برساخته‌ام نهاده کوری
انگشت که عیبهاست با آن
دارد به عتاب کور دیگر
پرسش که چراست این چرا آن
وینگونه به خشت می‌نهم خشت
در خانه کور دیدگانی
تا از تف آفتاب فردا
بنشانمشان به سایبانی
افروخته ام چراغ از این رو
تا صبح دمان در این شب گرم
می خواهم برکشم بجاتر
دیواری در سرای کوران (مجموعه کامل اشعار نیما، ۴۸۸-۴۸۹)

شاعر وزن سنگین «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» را بجا و مناسب برای بیان غم و اندوه و یاس و دلگیری خود به کار برده است .

من چهره ام گرفته
من قایقم نشسته به خشکی
با قایقم نشسته به خشکی فریاد میزنم

Archive of SID

www.SID.ir

وامانده در عذابم انداخته است
در راه پر مخافت این ساحل خراب
و فاصله است آب
امدادی ای رفیقان با من
گل کرده است پوزخندشان اما بر من (مجموعه کامل اشعار نیما، ۴۹۹)

در شعر نوحه سروده اخوان شاعر وزنی متناسب با درونمایه را به کار می‌گیرد که با آهنگ نوحه خوانی و سینه زنی تناسبی بجا و شایسته دارد.

نعش این شهید عزیز
روی دست ما ماندست
روی دست ما دل ما
چون نگاه ناباوری به جا ماندست
این پیمبر این سالار
این سپاه را سر دار
با پیامهایش پاک
با نجابتش قدسی
سرودها برای ما خواندست (آنگاه پس از تندر، ۱۶۸-۱۶۹)

اخوان خود به هماهنگی وزن و محتوا، تاثیر موسیقیایی کلمات و القاء مفهوم از طریق کلمات توجه خاصی داشته است. در بدعتها و بدایع نیما یوشیج، در این باره می-نویسد: «انتخاب وزن مناسب علاوه بر آنکه بر خواننده و شنونده بهتر اثر می‌گذارد در سراینده و سازنده شعر نیز موثر است و کلمات بهتر و مناسب تر با مقصود را به ذهن شاعر القاء و نزدیک می‌کند و این امری است تجربی» (اخوان ثالث، ۱۳۷۶:ص۸۵). به باور او کلمات القای حالت خاصی را می‌کنند و اگر شاعر «به انتخاب الفاظ خوش آهنگ و مناسب و تناسب بیشتر کلماتی که طنین و ترکیب حروف آنها نیز گویای حالت خاصی است توجه داشته باشد امکانات او بیشتر خواهد بود و بهتر از عهده بیان مقصود برخواهد آمد» (همان، ص ۸۵).با اعتقاد به این اصل است که در شعرش هماهنگی بین موسیقی و محتوا و وزن و درونمایه در اوج است و از هر شگردی در جهت نزدیکی این دو عنصر زیبایی شناسی بهره می‌گیرد. در شعر زیر، وی علاوه بر انتخاب وزنی مناسب محتوا، خوشه‌های صوتی را طوری آورده که القاء غم می‌کنند و لحنی غم انگیز را بر

Archive of SID

www.SID.ir

فضای شعر حاکم می‌کنند. علاوه بر آن قافیه ها نیز متناسب با محتوای شعر انتخاب شده‌اند و موسیقی کناری نیز در خدمت القاء معنی است. خوشه های صوتی «ه، م، ن» و آوردن «هم و من» در آخر عبارات گویی ناله شاعر را به گوش می‌رساند.

دو دلجو مهربان با هم
دو غمگین قصه گوی غصه های هردوان با من
خوشا دیگر خوشا عهد دو جان همزبان با هم. (آنگاه پس از تندر)

تکرار صامتهای «ه، م و ن» و مصوت بلند «آ» غم را می‌رساند و قافیه قرار گرفتن آه و گاه نیز در القاء غم بی تاثیر نیست .

هنوز از خویش پرسم گاه
آه
چه می‌دیده ست آن غمناک روی جاده نمناک (اخوان)

در شعر زیر شاعر با انتخاب وزن هماهنگ با محتوا و کاربرد هجاهای کشیده، سنگینی و رخوت حاکم بر شعر را از طریق موسیقی به نمایش گذارده است. قافیه های «خواب، مهتاب و آب» بر سنگینی وزن افزوده‌اند و متناسب با محتوای شعر هستند.

همچو دیوی سهمگین در خواب
پیکرش نیمی به سایه نیم در مهتاب
در کنار برکه آرام
اوفتاده صخره ای پوشیده از گلسنگ
کز تنش لختی به ساحل خفته و لختی دگر در آب (آخر شاهنامه،۱۲۰).

شاملو از دیگر شاعران معاصر است که در شعرش به نمونه های زیبای هماهنگی برمی‌خوریم .همانطور که می‌دانیم در شعر علاوه بر وزن، موسیقی درونی یا نغمه حروف نیز بیانگر و القاء کننده مفهوم و حالتی احساسی و عاطفی و معنایی خاصی هستند. در شعر زیر از شاملو آوای «آ» نشان از طولانی بودن و درازی شب دارد و شاعر با آوردن و تکرار این آوا هم درازی شب و هم اندوه و حسرت خود را ابراز داشته است.

شب تار /شب بیدار/شب سرشار است
زیباتر شبی برای مردن/شب /سراسر شب/یک سر
از حماسه ی دریای بهانه جو بی خواب مانده است.

Archive of SID

www.SID.ir

شاملو ارزش صوتی الفاظ و دلالتهای الهام بخش آن را به خوبی دریافته است و احساسات درونی خود و معانیی را که در ذهنش است به کمک الفاظ و حروف انتقال می‌دهد و این اوج هنر شاعری است و برابر با این گفته دنیس هالیکار است که: «در شعر واژه‌ها تنها برای اشاره به اشیاء و امور به کار نمی‌روند بلکه حالتها و خیالهایی را به ذهن القاء می‌کنند» (نقل از علوی مقدم:۱۳۷۷، ۷۵) وی از خصوصیت موسیقیایی حروف و واژه‌ها در انتقال مفاهیم بیشترین بهره را برده است و گویی به این باور سمبولیستها که با کلمات و موسیقی حاصل از کلمات، می‌توان معانی را انتقال داد (امامی :۱۳۷۷، ص۸۶). سخت معتقد بوده، زیرا که شعر او به مدد زیبایی‌های موسیقیایی و کلمات، حالات روحی و احساساتی خاص وی را که امکان بیان مستقیم آن وجود نداشته القاء کرده است. در شعرش نهایت هماهنگی بین صورت و معنی و موسیقی و محتوا برقرار است. وقتی می‌خواهد فضایی غمگین خلق کند و غم و حسرتی را القاء کند موسیقی کلامش طوری است که کاملا منطبق با محتوای اثرش است:

همچو بو تیمار مجروحی- نشسته بر لب دریاچه شب- می‌خورد
اندوه
شامگاه اندیشناک و خسته و مغموم
کاج های پیر تاریک اند و در اندیشه تاریک
من غمین و خسته و اندیشناکم چون غروب شوم
من چنان چون کاج های پیر
تاریک ام
که پنداری
دیرگاهی است تا خورشید
بر جانم نتابیده است. (مجموعه آثار شاملو، ۳۳۸).

صدای«آه» که از اندوه به گوش می‌رسد آوای«و» در «مغموم و شوم» آه و ناله شاعر را به ذهن متبادر می‌کند.در شعر زیر از وی نیز تکرار «ه» و آمدن هجای بلند آ، آه را بازتاب می‌دهد.

حسرتی / و نگاهی / و آهی/ هیه رگلیف نگاهی دیگر است
در چشم به راهی/ و بی اختیاری آهی دیگر است
از پس آهی (مجموعه آثار شاملو، ۶۱۵).

Archive of SID

www.SID.ir

شاملو با آوردن کلمه «منخرین» حس نفرت و بیزاری خود را از گند جهان و صحنه های دروغین به بهترین نحوی بیان داشته است و آوردن این کلمه در شعر به القاء معنی کل شعر کمک شایانی کرده است.

و گند جهان/چون دود مشعلی در صحنه های دروغین
منخرین مرا آزرد/بحثی نه /که وسوسه ای است این
بودن یا نبودن (مجموعه آثار شاملو، ۶۶۴).

در شعر زیراز وی نیز، این نظر تینیانوف از نظریه پردازان فرم گرای روسی اثبات می‌شود که گفته بود : «در شعر معنای واژگان با آواها تعدیل می‌یابند و در نثر آواها با معنا» (علوی مقدم، ص ۶۱)

من /درد در رگان ام/ حسرت در استخوان ام
چیزی نظیر آتش در جانم
پیچید (مجموعه آثار شاملو، ۶۵۶).

تکرار «د، م، ن» وکشیدگی هجای «آ» درد و غم شاعر را به زیبایی انعکاس داده اند و گویی بافت صدا و مفهوم یکی شده است.شاملو در شعرش «به دنبال ایجاد یک هارمونی موسیقیایی(harmony) و هماهنگی آن با محتوی، لحن و ساختار کل اثر است .یعنی توجه به موسیقی به عنوان یک ساختمان موزیکی، نه یک رکن یا یک مصراع و عبارت موسیقیایی» (روشان: ۱۳۸۴، ۳۵). و این عامل تاثیر و زیبایی شعر وی شده است. آهنگ افتان و فرورونده که در شعر زیر است سقوط و نزول و انحطاط و یاس را به خوبی نشان می‌دهد.

بیتوته کوتاهی است جهان/در فاصله گناه و دوزخ
خورشید/چون دشنامی برمی آید/و روز
شرمساری جبران ناپذیری است
آه پیش از آنکه در اشک غرقه شوم
چیزی بگوی/درخت/ جهل معصیت بار نیاکان است
و نسیم وسوسه ای است نابکار/ مهتاب پاییزی
کفری است که جهان را می‌آلاید/ چیزی بگوی
پیش از آنکه در اشک غرقه شوم/ چیزی بگوی (مجموعه آثار شاملو، ۸۳۸-۸۳۹).

Archive of SID

www.SID.ir

از این نمونه های هماهنگی در شعر شاملو فراوان دیده می‌شود و به این سبب که وی وزن عروضی را از شعرش حذف کرده با آهنگ کلمات که سهمی عمده نیز در القاء مفاهیم و احساسات دارند، درصدد جبران این کمبود بوده و به خوبی از عهده آن بر آمده است. شفیعی کدکنی از شاعران معاصر با توجه به اهمیتی که به موسیقی قائل است (کدکنی، ۳۸۹) در شعرش به بعد موسیقیایی کلمات توجه خاصی نشان داده است و به تبع آن از انتقال مفاهیم با آهنگ کلمات نیز غافل نبوده است. او در بخشی از کتاب موسیقی شعر در بحثی تحت عنوان دلالت موسیقیایی کلمات، باور خود به انتقال مفاهیم از راه آواها و کلمات را چنین بیان کرده است: «ساختار آوائی کلمه خود علاوه بر نقش معنائی در رسانگی خویش-از رهگذر مجموعه اصوات به گونه ای غیر مستقیم مفهوم مورد نظر شاعر را القاء می‌کند» (کدکنی، ص۳۱۸). در شعر زیر از وی این گفته اش اثبات می‌شود، تکرار «ق و غ» صدای کلاغ را القاء می‌کند.

قارد کلاغ پیر/بر شاخه اقاقی
با یار غار خویش (هزاره دوم آهوی کوهی، ص ۱۳۹).

هماهنگی وزن و محتوی در غزل زیر در اوج است و ردیف «همه»که به «ه» ختم شده این هماهنگی را تقویت کرده است.

سوگوارن تو امروز خموش اند همه
که دهانهای وقاحت به خروشند همه
گر خموشانه به سوگ تو نشستند رواست
زآن که وحشت زده خیل وحوش اند همه

(هزاره دوم آهوی کوهی، ۱۴۰)

در شعر زیر، آوردن «غرنگ» بی ارتباط با صدای غرش نیست و شاعر با این کلمه در صدد القای صدای غرش به خواننده بوده است و از خاصیت القایی آوا سود جسته است. تکرار«نگ» در قافیه ها نیز صدای ضربه شاخ گوزن را به صخره منعکس کرده است.

شاخ گوزن خسته شد از سختنای سنگ
یک چند ماند خامش و پیوست با درنگ/وآنگاه بار دیگر
غرید /با غرنگ (همان ،۲۴۰)

Archive of SID

www.SID.ir

یا تکرار «س» در شعر زیر سردی هوای صبحگاهی و لرزش بر اثر سرما را به مخاطب القاء می‌کند.

پرندگان غریب / به روی سربی /سرد
سپیده / در پرواز (همان، ۲۵۷).

وزنی ضربی و تند که در شعر زیر به کار رفته اضطراب و پریشانی را القاء می‌کند و شاعر حالت اضطراب و جنب و جوش را با وزنی ضربی و تند که برای شعر برگزیده، رسانده است.

چون ریگ روان /سراسر عمر/ در تابه اضطراب بودیم
سودا زده ای سراب زادی/آسایشی ار به خواب دیدیم/ یک لحظه درنگ بود
و آن هم/ در سایه چتر گردبادی (همان، ۳۵۷).

در شعر وی موسیقی، در خدمت معنی است واین هماهنگی به شعرش نظم و نظام و تناسب بخشیده است. در شعر زیر از قیصر امین پور، نهایت هماهنگی بین وزن سنگین شعر و محتوای آن که حسرت گذشته است دیده می‌شود و وزن غم انگیز شعر در تهییج عواطف و برانگیختن حس حسرت موثر بوده است.

حرف های ما هنوز ناتمام/تا نگاه می‌کنی/وقت رفتن است
باز هم همان حکایت همیشگی/پیش از آنکه باخبر شوی
لحظه عزیمت تو ناگزیر می‌شود/آی /ای دریغ و حسرت همیشگی
ناگهان /چقدر زود / دیر می‌شود» (آینه های ناگهان، ۴۸-۴۹).

یا آتشی شعر زیر را در وزنی سنگین، متناسب با محتوی سروده، کشیدگی آوای «آ» و افزونی این مصوت در القای صدای ناله شاعر تاثیر داشته است.

«این روح سوگوار جنوبی/بالای ابرها هم /ما را رها نمی‌کند
در ابر نیز دریا می‌بیند/در دریا مرگ/دریای مرده، خاک فراوان دارد اما
بخت کدام چشم است /که بی خطا بشناسد
دریای مرده را از رعشه سراب/و از سراب و ریگ روان
دریای زنده را» (آتشی، ۱۰۵۲).

همچنین در شعر زیر، تکرار صامتهای «خ و ش» خشکی کویر و صدای وزش باد را به ذهن القاء می‌کند.

«باد از کویر می‌رسد آسیمه/ سر به ساحل می‌کوبد

Archive of SID

www.SID.ir

باد کویر خشمی / خشک، آبجوی/ جوشان
بر تخته سنگ می‌شکند پخش می‌شود» (آتشی، ۱۰۵۵).

کسرایی برای القاء فضای خاص به خواننده، کلمات و وزنی مناسب انتخاب کرده است.تکرار «د» در قافیه جلب توجه می‌کند.

«آسمان ریخته در آبی رود
طرح اندوه غروب
دختری بر لب آب
روی یک سنگ سپید
زیر یک ابر کبود
پای می‌شوید، پاهای گل و لای اندود
پای می‌شوید و می‌اندیشد
«کار
کار در شالی زار»
در دل رود کبود
می دود سو سوی تک اختر شام
و از آن پیکر تار
که نشسته است برآن سنگ سپید
گیسوانی شده افشان بر آب
نگهی گمشده در شالیزار» (از خون سیاووش، صص ۱۷-۱۸)

شاعر با لحنی غم آلود شعر را شروع می‌کند و نقش وزن شعر در القای غم و اندوهی که در شعر است بسیار بوده:

در گذرگاهی چنین تاریک
در شبی اینگونه دل افسرده و تاریک
کز هزاران غنچه لب بسته امید
جز گل یخ، هیچ گل در برف و در سرما نمی‌روید
من چه گویم تا پذیرای کسان گردد
من چه آرم تا پسند بلبلان گردد» (همان، ۶۲).

Archive of SID

www.SID.ir

محتوای شاد این شعر، وزنی ضربی و شاد می‌طلبیده، که شاعر بجا انتخاب کرده است.کوتاهی ارکان عروضی و مقطع بودن آن نیز در خلق فضای شاد شعر بی تاثیر نبوده است.

فریاد بر کشید/عید آمده ست عید
هنگام پایکوبی و شادی است زین نوید
روشن کنید شمع بر خوان نمک نهید
قرآن و نان دهید
با سفره سبزه و گل و گلدان بیاورید
گفتم کفی زخاک/ تا بزم را خجسته کند یادی از شهید»(همان، ۳۳۲-۳۲۱).

حالت شادی که در این شعر است حاصل افزونی مصوتهای کوتاه بر بلند نیز می‌باشد.

نتیجه:

پس از طرح شدن این مطالب، نتیجه می گیریم که هماهنگی موسیقی و محتوی از مهمترین عوامل زیباشناختی شعر است و در تاثیر و زیبایی شعر موثر است . اشعاری که در آنها این تناسب و هماهنگی رعایت شده، دلنشین ترند و شاعرانی که این هماهنگی را رعایت کرده اند در تاثیر گذاری موفق ترند . شاعران نیمایی این مهم را به خوبی درک کرده بودند و به همین سبب در شعر آنها این تناسب و هماهنگی در اوج است و بدین صورت تاثیربخشی شعرشان را چند برابر کرده اند و زیبایی آفریده اند .این شاعران علاوه بر وزن عروضی، موسیقی درونی و کناری را نیز در خدمت القاء معانی و حالات خاص روحی خود به کار گرفته اند و از موسیقی حروف و آواهای خاص و کلمات در جهت هماهنگی با محتوی کوشیده اند.اگر شاعر در پی این بوده که غم و اندوه را به مخاطب القاء کند، وزنی متناسب با آن برگزیده و از کلمات و حروف و قافیه هایی بهره برده که هرچه بیشتر این محتوی را القاء می‌کنند و شاعران معاصر همچون نیما، شاملو، اخوان، شفیعی کدکنی و دیگران، از موسیقی در القاء معانی نهایت استفاده را برده اند.

Archive of SID

www.SID.ir

منابع:

آتشی، منوچهر، مجموعه اشعار منوچهر آتشی، انتشارات نگاه، ۱۳۸۶
اخوان ثالث، مهدی، آخر شاهنامه، انتشارات مروارید، چ پنجم ۲۵۳۶
_____ ، آنگاه پس از تندر، انتشارات سخن، چ اول ۱۳۷۸
_____ ، بدعت ها و بدایع نیما یوشیج، انتشارات زمستان، ۱۳۷۶
_____ ، زمستان، انتشارات مروارید، چ ششم، ۲۵۳۶
امامی، نصرالله، مبانی و روشهای نقد ادبی، انتشارات جامی، چ اول، ۱۳۷۷
امین پور، قیصر، آینه های ناگهان، نشر افق، چ هشتم، ۱۳۸۵
روشان، حسن، موسیقی شعر شاملویی، ۱۳۸۴، انتشارات سخن گستر، چ اول
زرین کوب، حمید، چشم انداز شعر نو فارسی، انتشارات طوس، تهران ۱۳۵۸
زرین کوب، عبدالحسین، فن شعر، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳
دستغیب، عبدالعلی، سایه روشن شعر نو فارسی، چ اول، فرهنگ، تهران ۱۳۴۸
شاملو، احمد، مجموعه اشعار، به کوشش نیاز یعقوبشاهی، انتشارات زمانه، انتشارات نگاه، تهران ۱۳۸۰
شفیعی کدکنی، محمد رضا، موسیقی شعر، انتشارات آگاه، چ ۲، ۱۳۶۸
_____ ، هزاره دوم آهوی کوهی، انتشارات سخن، ۱۳۷۶
شمیسا، سیروس، سیر غزل در شعر فارسی، چ ۲، تهران، فردوس، ۱۳۶۹
طوسی، خواجه نصیر، اساس الاقتباس، تصحیح مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۶
علوی مقدم، مهیار، نظریه های نقد ادبی معاصر، انتشارات سمت، ۱۳۷۷
فضیلت، محمود، آهنگ شعر فارسی، انتشارات سمت، تهران، چ اول، ۱۳۷۸
فیلیس شیله، شناخت زیبایی، ترجمه علی اکبر بامداد، ناشر کتابخانه طهوری، چ ۴، ۱۳۵۷
کسرایی، سیاووش، از خون سیاووش، انتشارات سخن، چ ۴، ۱۳۸۴
مارکوزه، هربرت، بعد زیباشناختی، ترجمه داریوش مهرجوئی
وحیدیان کامیار، محمد تقی، وزن و قافیه شعر فارسی، چ دوم، ۱۳۶۹

Archive of SID

www.SID.ir

یوشیج، نیما، دربارهٔ هنر و شعر و شاعری، سیروس طاهباز، انتشارات نگاه، تهران ۱۳۸۵

یوشیج، نیما، مجموعه کامل اشعار نیما، گردآوری و تدوین سیروس طاهباز، انتشارات نگاه تهران ۱۳۷۵

Archive of SID

www.SID.ir